

doi 10.30497/RC.2022.76520

*Bi-quarterly Scientific Journal of "Religion & Communication", **Research Article***
Vol. 29, No. 2, (Serial 62), Autumn & Winter 2022

Discourse Components for and Against Retaliation in Iranian Cinema

Hamdi Reza Daneshnari*
Narjes Maleki**

Received: 24/12/2020
Accepted: 13/10/2021

Abstract

With the victory of the Islamic Revolution of Iran and the emphasis on the legalization of laws, retaliation was recognized for the first time in the bill of limits, retaliation and its regulations as one of the legal punishments in the sphere of criminal law in Iran. The emergence of retaliation in Iranian law led to the formation of many religious, political, social and cultural conflicts and created two conflicting discourses about its implementation or non-implementation. Given the importance of retaliation and the formation of its issues in various social spheres, Iranian cinematic literature in the form of criminal genres has also paid attention to this issue. Given the role of the media in shaping public opinion in the field of legal issues, this study seeks to use the method of Wodak historical discourse approach and with emphasis on the historical, religious and political sections of Iran, the films "Beautiful City", "Delkhon(heartbroken)", "Wednesday", "Lanturi", "Jamshidia" and "Parvane's Swimming" analyzes in terms of representing retaliation. Based on the findings of this study, the authors of the studied films, by adopting an evidence-based approach and reasoning logic, seek to express the views of those who oppose and those in favor of retaliation. Nevertheless, the overall evaluation of the studied films shows that the authors, understanding the hegemony of religious discourse, instead of emphasizing the elimination of retaliation, focus on some alternative strategies such as spreading the culture of forgiveness, developing peace and reconciliation.

Keywords: Retaliation, Cinematic Representation, Historical Discourse Approach, Deterrence, Right.

*. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

**.. Master's student in Jurisprudence and Criminal Law, Shahid Motahari Higher School and University, Tehran, Iran.

مؤلفه‌های گفتمانی موافق و مخالف قصاص در سینمای ایران

حمیدرضا دانش‌ناری*
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

نرجس ملکی**
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأکید بر شرعی‌سازی قوانین، قصاص برای نخستین بار در لایحه حدود، قصاص و مقررات آن به‌عنوان یکی از مجازات‌های قانونی در سپهر حقوق جنایی ایران به رسمیت شناخته شد. ظهور قصاص در حقوق ایران، موجب شکل‌گیری نزاع‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد و دو گفتمان معارض را درباره اجرا یا عدم اجرای آن به وجود آورد. با توجه به اهمیت قصاص و شکل‌گیری مباحث آن در قلمروهای مختلف اجتماعی، ادبیات سینمایی ایران نیز در فیلم‌های جنایی به این مسئله توجه کرده است. با توجه به نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار عمومی در پهنه مسائل حقوقی، این پژوهش درصدد است تا با استفاده از روش گفتمانی - تاریخی روث و داک و با تأکید بر برش‌های تاریخی، مذهبی و سیاسی ایران، فیلم‌های «شهر زیبا»، «دل خون»، «چهارشنبه»، «لانتوری»، «جمشیدیه» و «شنای پروانه» را از حیث بازنمایی قصاص، توصیف، تحلیل و واکاوی کند. براساس یافته‌های این پژوهش، فیلم‌های مورد مطالعه با اتخاذ یک رویکرد ادله‌محور و منطقی استدلالی، درصدد بیان دیدگاه‌های مخالفان و موافقان قصاص هستند و کارگردانان آثار سینمایی همسو با طرفداران این دو گفتمان، با تمرکز بر بافت‌های موقعیتی و برخی مبانی مشترک همچون زمینه‌های دینی، اجتماعی و حقوقی، پیامدهای اجرا یا عدم اجرای قصاص را مورد تأکید قرار می‌دهند. با وجود این، ارزیابی کلی فیلم‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد کارگردانان با درک هژمونی گفتمان شرعی، به جای تأکید بر حذف قصاص، به برخی راهبردهای جایگزین همچون گسترش فرهنگ گذشت و رشد صلح و سازش توجه کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قصاص، بازنمایی سینمایی، رویکرد گفتمانی تاریخی، بازدارندگی، حق شرعی.

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

(نویسنده مسئول) daneshnari@um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد فقه و حقوق جزا، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

narjes.maleki@yahoo.com

مقدمه

قصاص به‌عنوان مجازات جنایات عمدی علیه اشخاص و یک حق خصوصی برای حفظ حق حیات انسان‌ها تشریح شده است. ظهور قصاص در ایران ریشه در انقلاب اسلامی دارد. یکی از نخستین اقدامات پس از پیروزی انقلاب، تلاش برای اسلامی‌سازی قوانین کشور بود؛ زیرا تلقی و تفکر مسئولان و عمده مردم آن بود که نخستین جلوه اسلامی‌سازی جامعه تحول در قوانین است؛ ازین‌رو با پیروزی انقلاب ایده هژمونی قوانین شرعی عملی شد و جمهوری اسلامی دادگستری جدیدی را با تمرکز بر اندیشه‌های شرعی ایجاد کرد. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موجب شد تا اسلامی‌سازی قوانین در ساختار حقوقی ایران به صورت رسمی آغاز شود. براساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «کلیه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد».

گرچه مجازات اعدام برای قتل عمد پیش از انقلاب نیز وجود داشت، اما یکی از نخستین جلوه‌های قانون‌گذاری اسلامی در ساختار کیفری جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۹ و ضمن تقدیم لایحه حدود، قصاص و مقررات آن (مشهور به لایحه قصاص) آشکار شد. پیش از انقلاب اسلامی، در ماده ۸ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و اصلاح آن در سال ۱۳۵۲ مجازات اعدام برای قتل عمد به رسمیت شناخته شده بود، اما قانونی‌شدن مجازات قصاص در معنای دقیق فقهی پس از انقلاب صورت گرفت. نکته مهمی که باید بدان اشاره شود آن است که دو مجازات اعدام و قصاص متفاوت هستند. مجازات اعدام از باب اخلال در نظم عمومی و متعاقب طرح دعوی توسط دادستان و اثبات جرم صورت می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، اعدام حقی برای نظام قضایی است که براساس آن می‌تواند بزهکاران جرایم خاص را براساس قانون و از طریق اعدام، مجازات کند؛ بااین‌حال مجازات قصاص^۱ که برگرفته از رویکردهای فقهی است، ازیک‌سو تنها

۱. کلمه «قصاص» اسم مصدر «قَصَّ يَقْصُ» و از «قص اثره» رد پای او را تعقیب کردن گرفته شده است. قصاص کردن چیزی یعنی دنبال کردن تدریجی اثر آن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴). در تعریف اصطلاحی، قصاص یعنی تقاص نمودن تدریجی در جراحات و حقوق (فراهیدی، ۱۴۰۹). اگر قصاص را قصاص نامیده‌اند برای آن است که جانی را در جنایتش تعقیب می‌کنند و عین آن جنایتی را که او وارد آورده، بر او وارد می‌آورند (طباطبائی، ۱۳۹۳).

درباره جنایات عمدی به کار می‌رود و از سوی دیگر، حق خاص بزه‌دیده - در ایراد ضرب و جرح عمدی - یا اولیای دم - در قتل عمد - محسوب می‌شود؛ بنابراین مجازات قصاص به مثابه حق بزه‌دیده یا اولیای دم، محدود به جنایات عمدی است و به همین دلیل است که با گذشت بزه‌دیده یا اولیای دم، قصاص تبدیل به دیه می‌شود؛ در حالی که در صورت محکومیت بزه‌کار به مجازات اعدام، گذشت بزه‌دیده تأثیری بر اجرای حکم ندارد و مجرم اعدام خواهد شد.

لایحه حدود، قصاص و مقررات آن با الهام از آموزه‌های فقهی، برای نخستین بار مجازات قصاص را در حقوق کیفری ایران به رسمیت شناخت. این لایحه که در مرداد ماه ۱۳۶۱ به تصویب رسید، اولین اقدام برای ظهور مجازات‌های اسلامی در ایران بود؛ زیرا از این دوره قصاص به یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کیفری ایران تبدیل شد. در حال حاضر نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان آخرین اراده قانون‌گذار، مجازات قصاص را به رسمیت شناخته است.

با وجود مبنای شرعی و قانونی قصاص، این مجازات عرصه تعارض گفتمانی دو دیدگاه مختلف است که براساس آن، عده‌ای مخالف و دسته‌ای حامی اجرای آن هستند. بُرش‌های تاریخی و مذهبی در ساختار جامعه ایران نشان می‌دهد که مخالفان و موافقان قصاص با تأکید بر زمینه‌های شرعی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی به دنبال هژمونیک کردن گفتمان خود هستند. در این بستر، از یک سو موافقان با تأکید بر نظم گفتمانی شرعی،

۴۳۲). براساس نظر صاحب جواهر، قصاص به معنای وارد کردن عین جنایت جانی است. قصاص‌کننده اثر جانی را دنبال می‌کند و مثل کاری را که او انجام داده انجام می‌دهد. پس در تعریف اصطلاحی، قصاص عبارت است از پیگیری کردن جنایت جانی و وارد کردن عین آن جنایت بر او (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱).

۱. در قرآن کریم دو دسته از آیات وجود دارد که بر اصل قصاص دلالت می‌کنند. دسته نخست آیاتی هستند که به اصل مقابله به مثل دلالت دارند که یکی از مصادیق آن مقابله به مثل در امور کیفری و جنایی است. این آیات عبارتند از: «و جزاء سیئة سیئة مثلها...» (نحل: ۱۲۶)، «فمن اعتدى علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیکم» (بقره: ۱۹۴). دسته دوم آیاتی هستند که مستقل به خود مسئله قصاص مربوط می‌شوند و در آن‌ها قصاص نفس و جراحات مطرح شده است. این آیات عبارتند از: «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب لعلکم تتقون» (بقره: ۱۷۹)، «کتب علیکم القصاص فی القتلی الخر بالخر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی» (بقره: ۱۷۸)، «وکتبنا علیهم فیها»

مبانی اخلاقی و حقوقی، امنیت اجتماعی و تحقق عدالت، خواهان اجرای قصاص و ازسوی‌دیگر، مخالفان با تأکید بر منع مجازات‌های بدنی، مداراگرایی دینی، مبانی اجتماعی و ردّ برخی نظریه‌های جرم‌شناسانه همچون بازدارندگی، خواهان توقف اجرای این مجازات هستند.

با توجه به تعارض گفتمانی موجود، ادبیات سینمایی ایران نیز به این مسئله پرداخته است؛ زیرا سینما به‌عنوان هنر هفتم در مقایسه با دیگر هنرها رابطه تنگاتنگی با زمینه‌های اجتماعی دارد (دووینیو، ۱۳۸۶). رسانه‌ها بر شناخت و درک عمومی از جهان تأثیر می‌گذارند؛ بدین معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، زیرا رسانه‌ها از طریق بازنمایی رسانه‌ای، واسطه و میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. بر این اساس، بازنمایی رسانه‌ای معناسازی خنثی و بی‌طرف نیست، بلکه هرگونه بازنمایی، ریشه در ایدئولوژی و گفتمانی دارد که از آن منظر بازنمایی صورت می‌گیرد؛ از این رو بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج نیست، بلکه تولید و ساخت معنا براساس چهارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. با توجه به نقش مهم رسانه‌ها در بازنمایی و گفتمان‌سازی، کارگردانان آثار سینمایی در این قالب به مسئله قصاص پرداخته‌اند و در آثارشان به دو دسته موافقان و مخالفان تقسیم شده‌اند.

با توجه به اهمیت بحث و نقش مهم رسانه‌ها در حوزه بازنمایی و گفتمان‌سازی، این پژوهش درصدد است تا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان مرسوم‌ترین شیوه نمونه‌گیری در مطالعات کیفی، فیلم‌های سینمایی «شهر زیبا»، «دل‌خون»، «چهارشنبه»، «لانتوری»، «جمشیدیه» و «شنای پروانه» را تحلیل کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که از یک سو کدام یک از دو عرصه گفتمانی موافق و مخالف قصاص در فیلم‌های مورد بحث بازنمایی می‌شوند و ازسوی‌دیگر، کارگردانان آثار سینمایی، براساس چه منطق گفتمانی، مخالفت یا موافقت خود را با قصاص بازنمایی می‌کنند؟ بر این اساس، پس از

أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ۚ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (مانده: ۴۵)، «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل» (اسراء: ۳۳).

ارائه مختصری از فیلم‌های مورد مطالعه، مبانی نظری مطرح می‌شود. پس از بیان روش‌شناسی در پرتو «رویکرد گفتمانی - تاریخی»، متن فیلم‌های انتخاب‌شده در قالب یافته‌های پژوهش تحلیل می‌شوند. در پایان، نتیجه حاصل از بررسی یافته‌ها ارائه می‌شود.

۱. روایتی کوتاه از فیلم‌های مورد مطالعه

فیلم «شهر زیبا» در مورد قتل دختری نوجوان توسط اکبر است. در کانون اصلاح و تربیت «شهر زیبا» نوجوانان زندانی با خواست اعلا جمع می‌شوند تا هجدهمین سالروز تولد اکبر را جشن بگیرند. اکبر محکوم به قصاص برای قتل دختری است که عاشق او بوده است. جشن تولد هجده‌سالگی اکبر به معنای موعد اجرای قصاص است؛ به همین خاطر اعلا با عذاب وجدان ناشی از برگزاری جشن تولد اکبر، پس از آزادی در تلاش است تا رضایت خانواده مقتول را بگیرد و دوستش را از طناب دار نجات دهد. وی به خانه اکبر می‌رود و با فیروزه خواهر اکبر آشنا می‌شود. مراد اعلا با فیروزه و تلاش برای اخذ رضایت از خانواده مقتول، موجب شکل‌گیری رابطه عاشقانه میان این دو می‌شود. پس از کش‌وقوس‌های فراوان و مخالفت خانواده مقتول با گذشت از قصاص، ابتدا به فیروزه و سپس به اعلا پیشنهاد می‌دهند که در صورت ازدواج با دختر معلول آن‌ها، از قصاص اکبر می‌گذرند. پس از این پیشنهاد، اعلا به خانه فیروزه می‌رود تا او را از این ماجرا مطلع کند. فیروزه که از قبل از ماجرا خبر داشته است، درب را باز نمی‌کند. سکانس پایانی فیلم به صورت پایان باز، قضاوت در مورد تصمیم اعلا را به مخاطب واگذار می‌کند.

در فیلم «دل‌خون»، عماد جوانی است که همسر خود را به دلیل سوءظن به قتل رسانده است و در دادگاه بدوی برای وی حکم قصاص صادر شده است. عماد که حکم اعدام را پذیرفته و از درخواست تجدیدنظر منصرف شده است، از وکیلش می‌خواهد تا قبل از مرگ همه اعضای بدنش را ببخشد و قلب خود را نیز به خواهر همسرش که بیمار است، اهدا کند. وکیل عماد برای متقاعد کردن خانواده همسر عماد تلاش می‌کند اما با واکنش سخت آن‌ها روبه‌رو می‌شود؛ با این حال، اصرار خانواده مقتول موجب اجرای حکم قصاص می‌شود. عماد در بامداد یک روز زمستانی درحالی‌که از ترس به خود می‌لرزد، به دار آویخته می‌شود.

در فیلم «چهارشنبه» در مراسم عروسی اتفاقی ناگهانی سبب کشته‌شدن پدر خانواده می‌شود. یکی از پسران مقتول به دنبال این است که به هر شکل قصاص انجام شود و بخش دیگری از اعضای خانواده در برابر این خواسته مقاومت می‌کنند. کشمکش میان این دو گروه سبب شکل‌گیری شرایطی می‌شود که همه را درگیر می‌کند. وجود نسبت فامیلی و کشمکش میان خانواده مقتول و قاتل، در عمل زندگی چند خانواده را درگیر می‌کند؛ با این حال قاتل یک روز پیش از اجرای حکم به سلول انفرادی می‌رود اما از ترس اجرای حکم قصاص، سکنه می‌کند و می‌میرد.

در فیلم «لانتوری»، مریم یک کنش‌گر اجتماعی و فعال رسانه‌ای است که در حوزه حقوق کودکان، منع مجازات‌های بدنی و ایجاد کمپین‌های صلح و سازش، فعالیت می‌کند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مریم تلاش برای گرفتن رضایت از خانواده‌های مقتولان است. آشنایی وی با پاشا و دوستی شکل‌گرفته میان آن‌ها موجب می‌شود تا پاشا به مریم پیشنهاد ازدواج دهد. مخالفت مریم با این پیشنهاد موجب می‌شود تا قربانی اسیدپاشی شود. پس از شکایت مریم از پاشا، قاضی پرونده حکم به قصاص چشم از طریق تزریق اسید می‌دهد. با وجود آنکه مریم همواره به دنبال گرفتن رضایت از خانواده‌های مقتولان بود، اما زمانی که خود بزه‌دیده جرم اسیدپاشی می‌شود، اقدام به شکایت می‌کند. حتی در لحظه اجرای حکم، یک روحانی که به احتمال فراوان از قضات مجری حکم است، حکم قرآنی گذشت را به مریم متذکر می‌شود، اما وی به اجرای قصاص تأکید می‌کند. در نهایت، در لحظه‌ای که پزشک آمادۀ تزریق اسید در چشم پاشاست، مریم گذشت می‌کند.

در فیلم «جمشیدیه» ترانه و امیر در مسیر منزل با راننده تاکسی درگیر می‌شوند. ترانه با موبایل ضربه‌هایی به شانه و سر راننده وارد می‌کند. فردای آن روز، ترانه و امیر متوجه می‌شوند راننده تاکسی فوت کرده است. ترانه با معرفی خود به پلیس، به درگیری شکل‌گرفته پیش از فوت راننده تاکسی اعتراف می‌کند. پس از نبش قبر، دادگاه قتل عمد ترانه را تأیید می‌کند. با وجود اعتراف صادقانه ترانه، خانواده مقتول اصرار بر اجرای قصاص دارند، ولی همسر مقتول در آخرین لحظات گذشت می‌کند و ترانه قصاص نمی‌شود.

در فیلم «شنای پروانه»، انتشار فیلم پروانه همسر هاشم در استخر که گنده‌لات محله و

مری شناست، موجب می‌شود تا هاشم پروانه را در اتومبیل برادرش حجت به قتل برساند. پس از اثبات قتل عمد، پدر پروانه از پدر هاشم و برادر او حجت می‌خواهد متشرکننده فیلم را پیدا کنند تا وی از قصاص گذشت کند. حجت با تلاش بسیار موفق می‌شود متشرکننده فیلم را پیدا کند، اما متشرکننده فیلم که دوست صمیمی قاتل (هاشم) است، به حجت می‌گوید که هاشم از حجت برای ترانزیت مواد مخدر استفاده می‌کرده است. به عبارت دقیق‌تر، مواد مخدر توسط هاشم در کامیون حجت جاساز و بدون اطلاع وی حمل می‌شده است. به همین دلیل، با وجود آنکه حجت متشرکننده فیلم را پیدا می‌کند، اما به دلیل این رفتار برادرش، متشرکننده را به پدر پروانه معرفی نمی‌کند و هاشم قصاص می‌شود.

۲. مبانی نظری

با توجه به موضوع پژوهش که مؤلفه‌های گفتمانی موافق و مخالف قصاص در سینمای ایران است، ابتدا مبانی نظری مهم در این حوزه مطرح می‌شود و پس از بحث پیرامون تبارشناسی موضوع، مؤلفه‌های گفتمانی موافقان و مخالفان قصاص بررسی می‌شود.

۲-۱. تبارشناسی بحث

اسلام به‌عنوان یک شریعت و حیاتی، حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و دستورات و قوانینی را در این حوزه به رسمیت شناخته است. براساس برخی نظرات، آنچه در مکاتب فلسفی دنیا مطرح می‌شود، ناظر به زندگی انسان در این دنیا و آثار و لوازم آن است. به همین دلیل در هیچ‌یک از مکاتب فلسفه حقوق که امروزه در دنیا مطرح است، به مسائل الهیاتی همچون خداوند و آخرت توجه نمی‌شود. این در حالی است که اسلام دارای فلسفه و قوانین خاص خود است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸: ۹۹)؛ در نتیجه اجرای احکام شارع از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در این بستر، مبانی الهیاتی بر این پیش‌فرض استوار است که احکام اسلامی باید اجرا شوند زیرا مبنای شرعی دارند؛ بنابراین در تبارشناسی بحث، مسئله اجرای قوانین الهی از موضوعات اصلی است.

با توجه به گفتمان حضرت امام(ره) و رویکرد الهیاتی موجود در ساختار جمهوری

اسلامی، شورای عالی قضایی به‌عنوان متولی اصلی گفتمان‌سازی شرعی درصدد اسلامی‌سازی قوانین برآمد. بدین‌منظور، نخستین و مهم‌ترین فعالیت این شورا تقدیم لایحه قصاص بود. به‌دنیال طرح این لایحه، جبهه ملی به مخالفت با آن پرداخت و در اعلامیه‌ای رسمی مردم را در مخالفت با لایحه قصاص دعوت به تظاهرات کرد. در اطلاعیه جبهه ملی آمده بود: «هم‌وطنان شرافتمند، مردم غیور و آزادی‌خواه ایران؛ در شرایطی که همه آزادی‌های فردی و اجتماعی توسط هیئت‌حاکمه زیر پا نهاده شده است و استقلال مملکت در معرض خطرات جدی قرار دارد و در شرایطی که انقلاب بزرگ ملت را از کلیه هدف‌های بنیادی خود منحرف کرده‌اند، از شما دعوت می‌کنیم ساعت چهار بعدازظهر روز دوشنبه بیست‌وپنجم خرداد ماه در گردهمایی و راهپیمایی جبهه ملی، بانگ اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانیم». پس از این اعلامیه، امام خمینی (ره) در یک سخنرانی چنین فرمودند: «من می‌خواهم ببینم این راهپیمایی که امروز اعلام شده است، اساس این راهپیمایی چه هست. من دو تا اعلامیه از «جبهه ملی» که دعوت به راهپیمایی کرده است، دیدم. در یکی از این دو اعلامیه، انگیزه‌ای که برای راهپیمایی قرار داده‌اند، لایحه قصاص است؛ یعنی مردم ایران را دعوت کردند که مقابل لایحه قصاص بایستند. در اعلامیه دیگری که منتشر کرده بودند، تعبیر این بود: لایحه غیرانسانی. ملت مسلمان را دعوت می‌کنند که در مقابل لایحه قصاص راهپیمایی کنند، یعنی چه؟ یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند؟ شما را دعوت به قیام و استقامت و راهپیمایی می‌کنند در مقابل قرآن کریم. نص قرآن کریم... جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است. بله، جبهه ملی هم ممکن است بگویند که ما این اعلامیه را نداده‌ایم. اگر امروز بعدازظهر آمدند در رادیو اعلام کردند به اینکه این اعلامیه‌ای که حکم ضروری جمیع مسلمین را غیرانسانی خوانده، از ما نبوده، از آن‌ها ما می‌پذیریم» (باقری، ۱۳۹۵: ۹۰).

در این سخنرانی حضرت امام (ره) به‌خوبی می‌توان مبنای الهیاتی اجرای مجازات قصاص را مشاهده کرد. بر این اساس، تأکید بر اینکه قصاص بخشی از احکام اسلام و نص قرآن است، از یک‌سو استدلال مهمی برای اجرای آن تلقی می‌شود و از سوی دیگر، موجب می‌شود مخالفان براساس فتوای ولی فقیه، مجرم قلمداد شوند. شهید بهشتی (ره) به‌عنوان رییس دیوان عالی و رییس شورای عالی قضایی، در مناظره‌های صورت‌گرفته در

سال ۱۳۶۰ درباره لایحه قصاص در اوایل بحث خود چنین فرموده‌اند: «خواهرها و برادرهای اعتقادی و آرمانی شما؛ امروز تنها یک تلاش دارند و آن اینکه قانون کلمه الله هی العلیا، قانون والا و بالای خدا بر انسان‌ها حکومت کند. شورای عالی قضایی کار خود را براساس یک اصل مهم آغاز کرد. دستگاه قضایی ایران که از بسیاری جهات اسلامی نبود و منحرف از قوانین مسلم اسلام بود، باید حتی در مورد مسائل قضایی، در مورد مسائل جزایی، در مورد مسائل حقوقی، در مورد رابطه‌اش با مبدأ حکومت و حاکمیت در نظام و غیره اسلامی شود؛ بنابراین شورای عالی قضایی بر پایه زیربنای انقلاب یعنی اسلام و انتظار امام و امت، کار اصلی‌اش را این می‌داند که قوانین، اسلامی شوند؛ از این رو لایحه قصاص تلاش برای احیای اسلام در قوانین کشور است» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۳). ایشان در سخنرانی دیگری با تأکید بر رویکرد الهیات محور گفته‌اند: «عده زیادی از این آقایان حقوقدانی که تفکر حقوقی را از غرب گرفته‌اند، با قوانین مدنی و جزایی اسلام با طرز فکر غربی برخورد می‌کنند. ما صریحاً می‌گوییم که نظام حقوقی و مدنی و جزایی و قضایی جمهوری اسلامی بر پایه تعالیم اسلام خواهد بود» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۷۸)؛ بدین‌سان در تبارشناسی بحث مشخص می‌شود نزاع اصلی بر سر مسئله اجرا یا عدم اجرای احکام شرعی به‌عنوان قانون جاری کشور است.

۲-۲. مؤلفه‌های گفتمانی موافق قصاص

مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمانی موافقان قصاص در فیلم‌های مورد مطالعه بر مبانی دینی، مبانی اجتماعی و مبانی حقوقی تأکید می‌کنند.

۲-۲-۱. مبانی دینی

بنا بر دلالت آیات و احادیث، حیات و زندگی انسان دارای اهمیت خاصی است. به همین دلیل، خداوند متعال در آیات بسیاری بر ارزش حیات انسان و حفاظت و صیانت از آن تأکید کرده است و هرگونه تعرض و تعدی به حیات بشر را که سلامت و تمامیت آن را به خطر اندازد یا به آن لطمه زند - حتی اگر از جانب خود انسان باشد - ممنوع و حرام اعلام کرده است. در قرآن، آیه ۱۷۹ سوره بقره به‌وضوح به اهمیت قصاص پرداخته است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». در این آیه به حکمت تشریح

حکم قصاص اشاره می‌کند که از بلیغ‌ترین آیات قرآن از نظر نحوه بیان و خلاصه‌ترین از جهت استدلال، و لطیف‌ترین آن‌ها از جهت معنی و دلالت به مدلول خویش است. این جمله کوتاه و با الفاظ بسیار آسان ذکر شده است و معرفه آوردن قصاص و نکره آوردن حیات، برای دلالت بر این مطلب است که نتیجه یعنی حیات اوسع و اعظم از قصاص است؛ یعنی نتیجه قصاص و برکات آن دامنه‌دارتر و عظیم‌تر از آن است که با زبان گفته شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۶۶).

براساس نظر متکلمان اسلامی، مهم‌ترین ابزار هدایت الهی، قوانین تشریحی خداوند است که از طریق آن‌ها مرز میان رفتارهای مجاز و ممنوع شناخته می‌شود. براساس اصل جهان‌بینی اسلامی، تخلف از قوانین تشریحی موجب عقوبت در آخرت می‌شود؛ باین‌حال، خدای متعال براساس رحمت و اسعۀ خود سنت دیگری را تشریح کرده است که بر مبنای آن، اجرای مجازات در دنیا موجب رحمت اخروی برای بزهکار خواهد شد (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۴: ۶۳). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرمایند: «آن‌هایی که ریشه عذاب را می‌دانند و مسائل عذاب آخرت را می‌شناسند، می‌دانند برای آن کسی که فساد می‌کند، حتی اگر او را از بین ببرند، این از بین بردن رحمتی است و رحمتش در آخرت ظاهر می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸۲)؛ بدین‌سان فلسفه اجرای مجازات در دنیا، نه انتقام‌گیری از دیگران و نه صرفاً بازدارندگی است بلکه اجرای عقوبت دنیوی در واقع برای آن است تا عقوبت اخروی به صورت کامل زائل یا از آثار آن کاسته شود. بر این اساس، اجرای عقوبت در دنیا موجب خیر، سعادت، مصلحت و منفعت بزهکاران است زیرا خداوند متعال از نافرمانی هیچ بزهکاری زیان نمی‌بیند و از اطاعت هیچ‌کس بهره‌مند نمی‌شود.

علاوه بر آن، ارتکاب جرایم عمدی علیه اشخاص، احساسات و عواطف بزه‌دیده یا اولیای دم را جریحه‌دار و آن‌ها را به مقابله و برخورد با جانی وادار می‌کند. طبیعت انسان به گونه‌ای است که در مقابل هر عملی که منافی با خواسته‌ها و امیال و منافع او باشد، واکنش نشان می‌دهد و این بخشی از طبیعت انسانی است که به اصطلاح قوه غضبیه نامیده می‌شود. اسلام مجازات قصاص را به رسمیت شناخته است تا احساس طبیعی بشر را به رسمیت شناخته باشد؛ از این رو یکی از حکمت‌های تشریح قصاص، «پاسخ‌دادن منطقی و معقول شریعت به احساس طبیعی انسان است؛ احساسی که اگر بی‌پاسخ گذاشته

شود، به صورت لجام‌گسیخته طغیان خواهد کرد و موجب اختلال در نظم و امنیت اجتماعی خواهد شد» (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۷۲). شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌فرماید: «حس انتقام‌جویی و تشفی خاطر در بشر بسیار قوی است. این حس در دوره‌های ابتدایی و جامعه‌های بدوی قوی‌تر بوده است. به همین خاطر اگر انسان بزهکار را از راه قانون کیفر نمی‌دادند، تباهی و فساد بیشتری در جامعه پدید می‌آمد. این حس در حال حاضر نیز در بشر هست. نهایت اینکه در جامعه‌های متمدن اندکی ضعیف‌تر یا پنهان‌تر است. نکته مشخص آن است که انسان ستم‌دیده دچار عقده روحی می‌شود و اگر عقده‌اش خالی نشود، ممکن است به گونه‌ای آگاه یا ناخودآگاه دست به جنایت بزند؛ اما وقتی ستمگر را در برابر او کیفر دهند، عقده‌اش باز و روانش از کینه و ناراحتی پاک می‌شود» (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۳۹).

امام سجاده (ع) نیز در مورد آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» می‌فرماید: «اگر کسی تصمیم بگیرد دیگری را بکشد و بداند در این صورت قصاص می‌شود و بدین سبب از کشتن خودداری ورزد، هم موجب زنده‌ماندن کسی است که می‌خواسته او را بکشد، هم موجب زنده‌ماندن جنایتکاری است که قصد آدم‌کشی داشته است و هم مایه زنده‌ماندن دیگران؛ زیرا وقتی بدانند قصاص واجب و لازم است، از ترس آن، جرئت آدم‌کشی به خود راه نمی‌دهند»^۱ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۵۴). با توجه به این روایت مشخص می‌شود قصاص در حوزه فردی و اجتماعی دارای کارکرد و موجب حیات و زندگی است؛ زیرا کسی که درصدد قتل دیگری است اگر بداند که قاتل قصاص می‌شود، از کشتن دیگری منصرف می‌شود؛ در نتیجه قصاص در مرحله نخست موجب حفظ حیات کسی می‌شود که آماج جرم در نظر گرفته شده است. در گام بعد، موجب حفظ حیات جانی بالقوه می‌شود زیرا اگر استعداد قتل به فعلیت برسد، قاتل قصاص می‌شود. در نهایت، وضع مجازات قصاص موجب حیات تمامی افراد جامعه می‌شود زیرا زمانی که افراد مجازات قصاص را مدنظر قرار دهند، مرتکب قتل نخواهند شد.

۱. «ولکم یا امة محمد فی القصاص حیاة لان من هم بالقتل فعرف أنه یقتص منه فکف لذلك عن القتل کان ذلک حیاة الذی هم یقتله، وحیاة لهذا الجانی الذی أراد أن یقتل، وحیاة لغيرهما من الناس إذا علموا أن القصاص واجب لا یجترون علی القتل مخافة القصاص».

۲-۲-۲. مبانی حقوقی - جرم‌شناختی

از دیدگاه اسلام، اصل مقابله به مثل به عنوان اصلی اولیه در برخورد با بزهکاران جرایم علیه اشخاص پذیرفته شده است. در این بستر، رعایت تساوی کامل میان جرم و مجازات در جرایم قتل عمد و ایراد ضرب و جرح عمدی به عنوان یک حق مورد پذیرش قرار گرفته است؛ از این رو تساوی و تشابه میان جرم و مجازات ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین مفهومی است که از عدالت کیفری دریافت می‌شود. بر این اساس، «قصاص، عادلانه‌ترین مجازاتی است که می‌توان برای جنایت عمدی در نظر گرفت» (خسروشاهی، ۱۳۸۰: ۶۸). علاوه بر گزینش رویکرد عدالت‌محور در مجازات قصاص، پیشگیری از ارتکاب جرم و ایجاد موانع برای جلوگیری از نزدیک شدن به زشتی‌ها و آلودگی‌های عملی و اخلاقی، بحث مهم دیگری است که در تعلیمات اسلامی بدان توجه شده است و عقل نیز آن را تأیید می‌کند. اسلام در کنار برنامه‌هایی که انگیزه‌های مجرمانه را از بین می‌برد و انسان‌ها را اصلاح می‌کند، یک عامل بازدارنده بیرونی را نیز برای پیشگیری از جرم مدنظر قرار داده است که اگر افراد با وجود تمامی برنامه‌های تربیتی اسلام مرتکب جرم شوند، با ضمانت‌اجراهای بیرونی مواجه می‌شوند. این عامل بیرونی، همان مجازات‌هایی است که توسط شارع وضع شده است؛ باین حال برای تحقق پیشگیری از جرم در پرتو اجرای کیفر، مجازات باید به گونه‌ای باشد که بتواند بر احساسات سودجویانه و مجرمانه بزهکاران بالفعل و بالقوه غلبه کند. بدین‌سان قصاص برای هدفی اساسی که همان بازدارندگی از قتل و خونریزی است، تشریح شده است.

بازدارندگی به عنوان یکی از پارادایم‌های آینده‌نگر اعمال کیفر به دنبال پیشگیری از رفتارهای جنایی از طریق توسعه و اعمال ضمانت‌اجراهای مؤثر است (McLaughlin & Munice, 2019:323). بازدارندگی به تمامی شهروندان و بزهکاران اعلام می‌کند هزینه‌ها و درد و رنج حاصل از ارتکاب جرم به واسطه تعقیب و محکومیت، بیش از منافع حاصل از ارتکاب جرم خواهد بود. از دیدگاه فایده‌باورانی چون بتنام، کیفر، بدی و شر است و تنها در صورتی توجیه می‌شود که سبب پیشگیری از جرم شود (Hudson, 2003: 41)؛ از این رو چنانچه اعمال کیفر در بزهکاران جرایم مختلف بی‌فایده باشد، مجازات تنها یک بدی را به بدی دیگر می‌افزاید و به همین دلیل، مفید تلقی نمی‌شود؛ اما اگر مجازات

موجب بازدارندگی شود، در این صورت کیفر خود را به‌عنوان یک منبع امنیت نشان می‌دهد. شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌فرماید: «شکی نیست که بزهکاران را باید اصلاح کرد، اما اصلاح باید قبل از ارتکاب جرم باشد؛ باین حال نمی‌توان به بهانه اصلاح جانی، به همه جانیان بالقوه چراغ سبز داد؛ زیرا این کار تشویق جانی به جنایت است. به همین دلیل مجازات باید اجرا شود تا مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران شود» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۳۲). نظریه بازدارندگی بر این پیش‌فرض استوار است که اجرای مجازات قصاص موجب می‌شود شهروندان به این نتیجه برسند که در صورت ارتکاب جرم، حیات خود را از دست می‌دهند.

۲-۳. مؤلفه‌های گفتمانی مخالف قصاص

در کنار مؤلفه‌های گفتمانی موافق قصاص، مخالفان نیز استدلال‌ها و اندیشه‌های خاص خود را دارند و به مبانی دینی و مبانی حقوقی - جرم‌شناختی تمسک می‌جویند تا مخالفت خود را با قصاص نشان دهند.

۲-۳-۱. مبانی دینی

براساس نظر مخالفان، در اسلام اصل بر اجرای مجازات نیست. با وجود آنکه قصاص موجب تحقق عدالت و حق بزه‌دیده و اولیای دم محسوب می‌شود، اما در آیه ۴۰ سوره شورا و آیه ۱۷۸ سوره بقره که در مورد قصاص هستند، مسئله عفو و گذشت به‌مثابه بخشی از مکارم اخلاقی مطرح شده است. نکته جالب توجه آنکه آیه ۱۷۸ سوره بقره، عفوکننده را برادر دینی قاتل خوانده است (فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ). این امر حاکی از «عنایت خاص اسلام به ترویج فضایل اخلاقی و دوری از کینه‌توزی و ایجاد روحیه اخوت در جامعه اسلامی است». (زارعی کمالیه، ۱۳۹۹: ۲۲۴). علاوه بر آن، در آیه ۱۷۹ سوره بقره، اصل و هدف «حیات» است و «قصاص» وسیله محسوب می‌شود زیرا اگر قصاص هدف باشد، تعدد مجازات‌ها در قتل امری عبث محسوب می‌شود و این امر با حکمت شارع مقدس در تعارض است؛ ازاین‌رو در این آیه مهم‌تر از قانون قصاص فلسفه آن است که حق حیات و حفظ حیات فردی و جمعی است؛ بنابراین «اگر پژوهش‌ها و تجربه‌های بشر حکایت از آن دارد که با مجازات مرگ، جرم و خشونت کاهش نیافته و

حیات انسان‌ها تضمین نشده است، به جای جمود بر قصاص باید در جست‌وجوی راه و روش دیگری برای حفظ حق حیات بود. در حالت معمولی، دیه یا جریمه مالی، جایگزین ابتدایی قصاص است و در عالی‌ترین نوع آن، عفو و گذشت قاتل مدنظر خداوند است؛ زیرا در قرآن آمده است که اگر عفو کنید، مشمول پاداش خداوند می‌شوید» (باقی، ۱۳۸۶: ۱۵۸)؛ باین‌حال، نکته مهم و اساسی آن است که مخالفان قصاص در حالی به مبانی دینی اشاره می‌کنند که حکم اولیه در قرآن، اجرای قصاص است. به عبارت دقیق‌تر، توسل به نص صریح قرآن در حالی صورت می‌گیرد که حکم اولیه درباره وجود مجازات قصاص و حیات‌آوردن آن، به‌صراحت در قرآن آمده است.

۲-۳-۲. مبانی حقوقی - جرم‌شناختی

براساس نظر مخالفان قصاص، روند افزایشی و صعودی اعدام‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد تأکید بر نقش بازدارنده اعدام با شکست مواجه شده است. آمار رسمی و غیررسمی بیانگر آن است که با وجود مجازات‌های بدنی شدید همچون قصاص، نرخ جرایم علیه اشخاص روند افزایشی داشته است. به عقیده مخالفان، آنچه معیاری برای ارزیابی ارباب‌انگیزبودن و بازدارندگی کیفر سلب حیات است، «آمار» و نه ذهنیت انسان‌هاست (اکبری، ۱۳۹۷: ۱۱). مطالعه تجارب دو قرن اخیر و داده‌های آماری گوناگون نشان داده‌اند نرخ جرم از طریق اعدام و قصاص کاهش نیافته است. (باقی، ۱۳۹۹: ۳۰). اگرچه تکیه بر عدم بازدارندگی اعدام می‌تواند نقش انکارناپذیری در محدودسازی یا لغو آن داشته باشد، باین‌حال یافته‌های مطالعات در سراسر دنیا درباره ناکارایی بازدارندگی، طرفداران کیفر اعدام را قانع نمی‌کند. صرف‌نظر از یافته‌های مطالعات موجود پیرامون بازدارندگی یا عدم بازدارندگی اعدام، این نکته قابل‌توجه است که تعیین کیفر اعدام، اصولاً و الزاماً موجب کاهش میزان ارتکاب جرایم نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، انتظار آن است که با توسل به مجازات اعدام در وجه حداکثری، میزان جرایم ارتكابی مشمول آن نیز به حداکثر ممکن کاهش یابد. به‌زعم مخالفان، این وضعیت در ایران حداقل پیرامون ارتکاب جرایم مشمول قصاص، همواره صادق نیست و اگر قرار بود قصاص موجب کاهش وقوع جرایم شود، باید با حداکثر کاهش همراه می‌شد، درحالی‌که آمار رسمی جرایم علیه اشخاص بیانگر این مطلب نیست (حدادزاده، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

۳. روش‌شناسی

تحلیل گفتمان روشی تفسیری برای مطالعه متون است که در زمره روش‌های کیفی به حساب می‌آید. تحلیل گفتمان در واقع به تحلیل تعامل اجتماعی می‌پردازد. در تعامل اجتماعی، نقش طرفین تعامل، الزام‌ها، توقع‌ها و اهداف آن‌ها در یک موقعیت خاص اجتماعی، فرایند تعامل یا گفتمان را رقم می‌زند. تحلیل گفتمان رویکردهای متنوعی را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها «تحلیل گفتمان انتقادی»^۱ است. این رویکرد که ریشه در «زبان‌شناسی انتقادی»^۲ دارد، «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی، واحدهای زبانی محیط، کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی» تحلیل می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۳۴).

وُداک^۳ یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان را محصول بافت‌های موقعیتی و محتواهای معنایی می‌داند (Wodak, 2013: 23). روش گفتمانی - تاریخی وداک از یک سو بر زمینه‌ها، بسترها و بافت‌های موقعیتی در شکل‌گیری گفتمان خاصی تأکید دارد (Wodak, 2009: 57) و از سوی دیگر به مثابه روشی مطمئن در تحلیل متن، بر برش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تمرکز می‌کند؛ از این رو دیالکتیک ساختار و رخداد در رویکرد گفتمانی - تاریخی برگرفته از برش‌ها، بافت‌ها و زمینه‌های خاص موقعیتی است (Wodak, 2014: 309). وداک با ردّ برساخت‌های قدرت‌محور و برگرفته از سنت هابرماسی که مبتنی بر گفتگو محوری است، با رویکرد تاریخی به دنبال اعمال روشی سازنده و ترمیم‌گراست تا همزیستی میان گفتمان‌های مختلف را فراهم کند (Wodak, 2001: 76). با توجه به آنکه در قلمروهای مختلف اجتماعی، گفتمان‌های متفاوتی شکل می‌گیرند، رویکرد گفتمانی - تاریخی با در نظر گرفتن دغدغه‌ها، ایده‌ها و استدلال‌های حامیان هر پارادایم به دنبال آن است تا گفتمان‌های موجود را به یکدیگر نزدیک کند؛ از این رو رسالت رویکرد گفتمانی - تاریخی، پرهیز از نزاع‌های گفتمانی و تلاش برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گفتمان‌های مختلف است (Wodak, 2015: 41).

رویکرد گفتمانی - تاریخی در سطح تحلیل متن به سه راهبرد گفتمانی در قالب سه

1. Critical Discourse Analysis
2. Critical Linguistic
3. Wodak

پرسش توجه دارد: الف) راهبرد اسنادی که متضمن این پرسش است که چه ویژگی‌هایی به کنش‌گران اجتماعی نسبت داده می‌شود؛ ب) راهبرد استدلالی که تأکید می‌کند گروه‌های اجتماعی از طریق کدام فرایندها و طرح‌های استدلالی به توجیه تحسین‌آمیز یا تحقیرآمیز طرد افراد اقدام می‌کنند؛ و ج) راهبرد تشدید یا تخفیف که در آن بر پاره‌گفتارهایی تشدیدشده یا تخفیف داده‌شده تمرکز می‌شود (Wodak, 2015: 30). از دیگر مفاهیم مهم در رویکرد گفتمانی - تاریخی، توپوس^۱ یا مواضع رتوریک است که در راهبردهای گفتمانی جای می‌گیرد. توپوس در واقع تضمین‌های محتوایی یا قوانین نتیجه‌گیری هستند که راهبرد گفتمانی را به نتیجه مورد ادعا ارتباط می‌دهند؛ یعنی گذار از راهبرد به نتیجه را توجیه می‌کنند (Wodak, 2009: 121)؛ بدین ترتیب در رویکرد گفتمانی - تاریخی، تحلیل گفتمان در پرتو تمرکز بر پنج متغیر بررسی می‌شود و متن مورد تحلیل، راهبرد گفتمانی، توپوس، نتیجه و ملاحظات ثانویه پنج متغیر روش گفتمانی - تاریخی به شمار می‌آیند. در مقام کاربست این روش باید گفت که ابتدا متن‌های خام در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌گیرد تا پس از بررسی دقیق آن‌ها در پرتو توجه به رویکردهای گفتمانی - تاریخی، راهبرد گفتمانی را مشخص کند. سپس توپوس متن مشخص می‌شود. با توجه به آنکه توپوس راهبرد گفتمانی را به نتیجه ارتباط می‌دهد، پس از مشخص شدن رابطه راهبرد و توپوس، نتیجه مشخص می‌شود. در نهایت، چنانچه موضوع نیاز به تبیین دقیق‌تر داشته باشد، ملاحظات ثانویه بیان می‌شوند (Wodak, 2013: 31).

در مقام استفاده از روش گفتمانی - تاریخی و با استفاده از مبانی نظری مطرح‌شده، مهم‌ترین دیالوگ‌های موجود در متن فیلم‌ها در قالب دوگانه موافقت و مخالفت با قصاص استخراج شدند. در واقع، پس از تسلط بر مهم‌ترین ادله موافقان و مخالفان، بازتاب اندیشه‌های آن‌ها در دیالوگ‌های فیلم‌های مورد مطالعه به دست آمد. سپس جدولی منطبق بر پنج متغیر اصلی رویکرد گفتمانی - تاریخی طراحی شد و در آن متن، راهبرد گفتمانی، توپوس، نتیجه و ملاحظات ثانویه مدنظر قرار گرفت. بدیهی است جدول طراحی‌شده برای رویکرد گفتمانی - تاریخی در گام نخست تنها شامل متن فیلم است که براساس توضیحات ارائه‌شده در مورد روش گفتمانی - تاریخی تکمیل می‌شود.

1. Topos

پس از استخراج متن فیلم، راهبرد گفتمانی، توپوس، نتیجه و ملاحظات ثانویه در روشی فرایندمحور مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۴. یافته‌ها

با توجه به ژانر جنایی فیلم‌های مورد مطالعه، کارگردانان برای بیان دیدگاه‌های مختلف از ایده‌های گوناگونی کمک گرفته‌اند تا در ذیل آن‌ها، دوگانه مخالفت و موافقت با قصاص را مطرح کنند؛ بدین ترتیب در قالب دو جدول مجزا، مؤلفه‌های تأییدکننده و نفی‌کننده قصاص در فیلم‌های مورد مطالعه مطرح می‌شوند.

جدول شماره (۱). مؤلفه‌های تأییدکننده قصاص

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
+ قصاص حق منه، حکم خداست (شهر زیبا). + خدا این حق رو به من داده (دل‌خون). + مگه قرآن به من حق قصاص نداده؟ (جمشیدیه) + قصاص موجب حیات جامعه می‌شه (لانتوری). + قصاص حکم خداست. باید اجرا بشه (چهارشنبه).	اسناد	شرع	خداوند در آیه ۱۷۹ سوره بقره، حق قصاص را در مورد جنایات عمدی برای بزه‌دیده و اولیای دم به رسمیت شناخته است و آن را موجب حیات انسان دانسته است. بدین‌سان مهم‌ترین توجیه برای اجرای قصاص، نص صریح قرآن است.	رویکرد شرعی مؤید قصاص براساس مبانی الهیاتی (اجرای حکم خداوند) و مبانی انسان‌شناختی (کاستن از عقوبت اخروی) توجیه می‌شود.
+ اینکه زن و بچه مردم احساس ناامنی کنند، این بی‌عدالتیه (شنای پروانه). + نمی‌شه یکی، یکی رو بکشه و راحت تو خیابون راه بره (دل‌خون).	اسناد	امنیت اجتماعی	بازدارندگی به‌عنوان یکی از پارادایم‌های آینده‌نگر اعمال کیفر، بر این پیش‌فرض استوار است که می‌توان از طریق اجرای مجازات‌های	خاستگاه نظری بازدارندگی برخاسته از نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی، بیانگر این مطلب است که اجرای

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
+ من نمی‌خوام شکنجه‌ش کنم. می‌خوام کس دیگه‌ای این کارو نکنه (چهارشنبه). + می‌خوام یک کاری کنم دیگه کسی جرئت نکنه اسید بپاشه (لانتوری). + حکم قصاص برای امنیت مردم وضع شده است (لانتوری).			شدید، بزهکاران بالقوه را از ارتکاب جرم بازداشت؛ از این رو تحقق بازدارندگی عام و خاص به‌منابه شکلی از پیشگیری کیفری، با شدت عمل در مجازات‌ها رابطه مستقیم دارد.	مجازات بدنی در قالبی چون قصاص موجب تضمین امنیت اجتماعی و پیشگیری کیفری از جرم می‌شود.
+ دو دو تا چهارتا، آدم کُشتی باید قصاص بشی. این یعنی حق (لانتوری). + قصاص یک عمل کاملاً انسانی و اخلاقی است (لانتوری). + خون دختر من ریخت چیزی درست شد؟ من قصاصش می‌کنم (شهر زیبا).	استدلال	اجرای عدالت	با توجه به آنکه در قصاص، مشابهت شرط است، اجرای آن عین عدالت و اخلاق است. بستر تاریخی ظهور قصاص پس از دوران انتقام خصوصی، نشان می‌دهد قصاص در زمان خود نوعی پیشرفت اخلاقی محسوب می‌شده است.	قصاص در مکتب عدالت مطلق و مکتب کلاسیک در قالب‌هایی چون اصل تناسب میان جرم و مجازات و نظریه عدالت استحقاقی توجیه می‌شود.
+ من حالم دست خودم نیست، می‌کشمش بالای دار (چهارشنبه). + خودتو خسته نکن. من از خون دخترم نمی‌گذرم (شهر زیبا). + این آدم‌کش، امید زندگی منو گرفته (دل‌خون).	اسناد	حق‌مداری	چون قصاص حق بزه‌دیده و اولیای دم است، رضایت آن‌ها پیش شرط اصلی برای عدم اجرای قصاص است.	با توجه به آنکه دولت حق تصمیم‌گیری در مورد اجرا یا عدم اجرای قصاص را ندارد، اولیای دم گاه به ایده «خون را با خون شستن» متوسل می‌شوند.

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
<p>+ من از خون بابام نمی‌گذرم (چهارشنبه). + داداش من از خون آقام نمی‌گذرم (چهارشنبه). + نمی‌بخشم. بچه‌مو کشته. من از خونش نمی‌گذرم (شهر زیبا). + خودم می‌خوام قصاص کنم. حقمه (لانتوری).</p>				
<p>+ مامان دلت برای اینا نسوزه. (جمشیدیه) + دو ساله چشم کشیدیم تا امروز اعدام شه (چهارشنبه). + من خودم می‌زنم زیر چهارپایه (چهارشنبه). + خودتو بذار جای من. چرا انتقام نگیرم؟ (جمشیدیه) + کلی آدم منتظرن تا اون اعدام شه (شنای پروانه). + خدا به حق فاطمه زهرا همین بلا رو سر بچه‌ش بیاره تا بفهمه ما چی کشیدیم (لانتوری).</p>	تشدید	انتقام	<p>ارتکاب قتل، پیامدهای روحی و روانی ناگواری برای اولیای دم به همراه دارد و ناتوانی در کنترل احساسات موجب می‌شود انتقام‌گیری به ایده‌ای اصلی تبدیل شود.</p>	<p>تشغی خاطر بزه‌دیده یا اولیای دم به‌عنوان یکی از مبانی فلسفی اجرای کیفر، اعتبار مجازات را ناشی از احساس رضایت در بزه‌دیده یا اولیای دم می‌داند.</p>

جدول شماره ۲. مؤلفه‌های نفی‌کننده قصاص

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
<p>+ همون دینی که شما قبول دارید، اکراه داره که بعد از کشته شدن یک فرد، فرد دیگه‌ای کشته بشه (شهر زیبا). + هرکس کار زشتی کرد و بعد از آن توبه کرد و اصلاح شد، خداوند او را می‌بخشد (البته خداوند بخشنده و مهربان است) (شهر زیبا). + رضای خدا در اینه که گذشت کنی (چهارشنبه). + و هیچ‌کس ندانست، نام آن پرنده غمگین که از دل‌ها گریخت، ایمان بود (لانتوری).</p>	اسناد	شرع	<p>گرچه خداوند در قرآن، حکم قصاص را برای بزه‌دیده و اولیای دم به رسمیت شناخته است، اما بارها بر گذشت، صلح و سازش تأکید کرده است. در قرآن پیش از آنکه قصاص موجب حیات معرفی شود (آیه ۱۷۹ سوره بقره)، بر فرهنگ گذشت (آیه ۱۷۸ سوره بقره) تأکید شده است.</p>	<p>ذات رحمان و رحیم خداوند متعال هرگز انسان‌ها را دعوت به خشونت نمی‌کند؛ از این رو حکم قصاص در قرآن برای افزایش این مجازات نیست، بلکه ابزاری برای نظم‌دهی به واکنش‌های عمومی و نفی مسئولیت‌گیری جمعی است.</p>
<p>+ من دست و پام می‌لرزه بخوام یکی رو بکشم (چهارشنبه). + من دست اون بانو رو می‌بوسم که فرهنگ گذشت رو در جامعه گسترش داد (لانتوری). + یک نفر کشته بشه بهتر از اینه که دو نفر کشته بشن. (جمشیدیه) + کور شدن یا نشدن اون برام فرقی نمی‌کنه، اما بخشیدن یا نبخشیدن اون برام فرق می‌کنه (لانتوری). + من با تنبیه پاشا مخالفتی ندارم</p>	اسناد	فرهنگ گذشت و صلح	<p>با وجود آنکه قصاص حق بزه‌دیده و اولیای دم است، اما فرهنگ گذشت، صلح و سازش مسئله‌ای حیاتی در این حوزه است؛ باین حال به نظر می‌رسد در جوامع مختلف، میان مداراگرایی عمومی و فرهنگ صلح و گذشت، رابطه مستقیم و میان‌کیفرگرایی عمومی و فرهنگ صلح و گذشت، رابطه معکوس وجود داشته باشد.</p>	<p>صلح‌طلبی و وجود روحیه گذشت که بخشی از جلوه‌های مداراگرایی است، به‌خوبی می‌تواند نافی اجرای مجازات قصاص باشد؛ باین حال وجود فرهنگ گذشت برگرفته از متغیرهای روان‌شناختی فردی و فرهنگ عمومی حاکم بر یک جامعه است.</p>

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
ولی نمی‌خوام یک مجروح دیگه و یک زشتی دیگه به جامعه اضافه بشه (لانتوری).				
+ بخدا اگه روح دخترت راضی به اعدام باشه (شهر زیبا). + فکر می‌کنی اگر اعدامش کنی، راحت می‌شی؟ بخدا اگه راحت شی. حواله‌ش کن به خدا. خدا بهتر از منو تو حق رو می‌شناسه. یه جوری کارشو می‌سازه که از صد تا اعدام بدتر باشه (شهر زیبا). + کسی که مورد ظلم واقع شده، تعادل روانی‌ش رو از دست داده. این فرد چطور صلاحیت داره در مورد کشته‌شدن یا زنده‌موندن یک فرد تصمیم‌گیری کنه؟ (لانتوری) + وقتی من بعد از دو سال از مادر مقتول می‌پرسم احساسش چیه؟ می‌گه به آرامش نرسیدم (لانتوری). + می‌خوای بکشیش، بکش؛ ببینم دلت خنک می‌شه (شنای پروانه).	اسناد	عدم اقتناع روانی پس از اجرای قصاص	با وجود آنکه تشفی خاطر بزه‌دیده و اولیای دم یکی از مهم‌ترین دلایل برای توجیه قصاص است، اما یافته‌های تجربی و درک شهودی ثابت می‌کند خانواده‌های مقتولان پس از اجرای قصاص، نه تنها به آرامش روانی نمی‌رسند، بلکه دچار نوعی عذاب وجدان می‌شوند؛ از این رو اجرای قصاص نه تنها موجب آرامش نمی‌شود، بلکه اولیای دم را با آشفتگی‌های روحی - روانی مواجه می‌کند.	نبود آرامش روانی پس از اجرای حکم قصاص

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
<p>+ بیگی (قاتل) رو بردن انفرادی برای اجرای حکم. از ترس سکنه کرد و مُرد (چهارشنبه). + حجت بی خیال شو؛ بذار منو بکشن بالا راحت شم (شنای پروانه). + اکبر، فاضل دیه نمی‌خواد. می‌خواد زودتر اعدامش کنن راحت شه (شهر زیبا). + من دیگه تو این دنیا نیستم (دل‌خون). + مقتول نمی‌دونه کی می‌خواد بمیره اما قاتل می‌دونه (لانتوری). + من شبی صد بار می‌میرم و زنده می‌شم (جمشیدیه).</p>	اسناد	<p>آزار روحي تا لحظه اجرای حکم</p>	<p>فرایند طولانی و فرسایشی دادرسی کیفری موجب می‌شود تا محکوم، ناگوارترین فشارهای روانی را تحمل کند. پس از قطعیت حکم تا لحظه اجرای حکم، قاتل باید منتظر اجرای حکم باشد. این بازه موجب شکل‌گیری شدیدترین آلام روحی برای قاتل می‌شود.</p>	<p>آثار فشار روانی و آزار روحی در این دوره کمتر از اجرای قصاص نیست.</p>
<p>+ آمار قتل و قصاص هیچ وقت با هم ارتباط نداشتن (لانتوری).</p>	استدلال	<p>عدم کارایی بازدارندگی</p>	<p>یافته‌های مطالعات تجربی در جرایم مختلف ثابت کرده است افزایش شدت مجازات، در عمل موجب کاهش نرخ جرم نمی‌شود. علاوه بر آن، با توجه به آنکه عمده قتل‌ها در زمره جرایم خیابانی و محصول جوش و خروش و احساسات هستند،</p>	<p>برخلاف رویکردهای کلاسیک که در آن بر منطق عقلانیت کیفری تأکید می‌شود، ارتکاب جرم در بسترهای زمینه‌ای همچون احساس، نفرت، غیرت، لذت و غیره کارایی نظریه</p>

متن فیلم	راهبرد گفتمانی	توپوس	نتیجه	ملاحظات ثانویه
			بالا بردن هزینه‌های جرم در عمل موجب بازدارندگی نمی‌شود زیرا بزهکار احساسی - هیجانی برآوردی از رویکردهای هزینه - فایده ندارد.	بازدارندگی را زیر سؤال برده است.
+ اگر قدم اول در نابودی خانواده‌ها قتل، قدم دوم قصاصه (لانتوری).	اسناد	گسست خانوادگی	اجرای مجازات قصاص در عمل دو خانواده را داغدار می‌کند، زیرا علاوه بر خانواده مقتول، خانواده قاتل نیز درگیر ماجرا می‌شوند. این امر در واقع بنیان خانواده را به‌عنوان مهم‌ترین گروه اجتماعی سست می‌کند.	یافته‌های مطالعات تجربی نشان می‌دهد در صورت اجرای قصاص نفس یکی از والدین، فرزندان به احتمال فراوان با آسیب‌های اجتماعی و جرم درگیر می‌شوند.

با توجه به مؤلفه‌های گفتمانی موافق و مخالف قصاص، در مقام استفاده از روش تاریخی و داک و نزدیک کردن دو جهان‌بینی معارض - برخلاف روش‌های فوکویی - شاید بتوان گفت هسته هر دو اندیشه موافق و مخالف در فیلم‌های «شهر زیبا»، «دل خون»، «چهارشنبه»، «لانتوری»، «جمشیدیه» و «شنای پروانه»، اتخاذ چشم‌انداز کارکردی به اجرای قصاص یا عدم اجرای آن است. حامیان قصاص بر این باورند که کنترل جنایات عمدی از گذر سازوکارهای کیفری و توسل بی‌رویه به قصاص محقق می‌شود، اما مخالفان، واکنش‌های کیفری و اجرای قصاص را عامل آسیب معرفی می‌کنند. برای نزدیک کردن

این دو عرصه گفتمانی، از یک سو می‌توان بر اساس متون شرعی و در راستای اجرای عدالت و حق بزه‌دیده و اولیای دم، قصاص را به‌عنوان مجازات به رسمیت شناخت، و از سوی دیگر می‌توان در راستای گسترش فرهنگ گذشت و صلح تلاش کرد. در این شرایط مخالفان و موافقان می‌توانند با پذیرش حق قصاص برای بزه‌دیده یا اولیای دم و تلاش برای فرهنگ گذشت، به یکدیگر نزدیک شوند؛ از این رو کاربست روش وداک و اتخاذ رویکرد میانی درباره قصاص موجب پذیرش بخش عمده‌ای از استدلال‌ها و ادله هر دو گروه می‌شود؛ باین حال حق اولیه و مبنای اصلی در این قلمرو، پذیرش قصاص است. در کنار این حق نمادین، راهبرد اصلی تلاش برای شکل‌گیری فرهنگ گذشت در جامعه است، زیرا چنان‌که در آیه ۷۵ سوره مائده آمده است، گذشت از قصاص، کفاره گناهان انسان محسوب می‌شود.

برای اجرایی‌سازی گفتمان میانه در عالم واقع می‌توان از سازوکارهای عدالت ترمیمی استفاده کرد. عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن طرفین جرم دور هم جمع می‌شوند تا در پرتو مذاکره و گفت‌وگو درباره عواقب جرم و الزام‌ها و نیازهای آن، به صورت دسته‌جمعی تصمیم‌گیری کنند. عدالت ترمیمی هر گونه اقدامی است که محوریت اساسی آن، اعمال عدالت از طریق ترمیم صدمه ناشی از جرم و تمرکز بر میانجی‌گری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۶). نهاد میانجی‌گری که منجر به ملاقات بزه‌کار و بزه‌دیده یا اولیای دم می‌شود، به کمک یک میانجی‌گر تحقق می‌یابد. میانجی‌گر با هر یک از طرفین درگیر به طور مجزا ارتباط و گفت‌وگو برقرار می‌کند. در فرایند میانجی‌گری، در وهله نخست، انتظارات و نیازهای هر یک از طرفین جرم شنیده می‌شود و سپس برای نزدیک‌کردن برآیند نظرات آن‌ها به یکدیگر، تفاهمی ترمیمی حاصل می‌شود؛ از این رو در مسئله قصاص، میانجی‌گر باید ضمن همدردی با بزه‌دیده یا اولیای دم و به رسمیت شناختن حق قصاص برای آن‌ها، بر رویکردهای شرعی مبنی بر گذشت، پاداش اخروی و آرامش روانی تأکید کند و هم‌زمان، پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی این

مجازات را در قالبی انسانی مطرح سازد. در این شرایط، توافق ترمیمی برای پرداخت دیه حتی به مبلغی بالاتر از دیه تعیین‌شده توسط قوه قضاییه می‌تواند ایده مناسبی برای شکل‌گیری فرهنگ گذشت باشد. در کنار رویکرد عدالت ترمیمی به‌عنوان فرایندی اجتماعی، دولت نیز می‌تواند در گسترش فرهنگ گذشت ایفای نقش کند. برای مثال، خانواده‌های مقتولانی را که از حق قصاص خود می‌گذرند، از پرداخت مالیات معاف کند یا استخدام اعضای بیکار خانواده آن‌ها را تضمین کند. به‌طورکلی، گزینش رویکردهای رفاه‌محور توسط دولت برای خانواده‌های مقتولان می‌تواند به گسترش فرهنگ گذشت در جامعه کمک کند.

نتیجه‌گیری

مجازات قصاص یکی از چالش‌برانگیزترین و پُرمناقشه‌ترین نهادهای حقوقی در ایران است که بحث‌های فراوانی درباره آن شکل گرفته است. بستر تاریخی شکل‌گیری مناقشه در این حوزه، به تقدیم لایحه قصاص برمی‌گردد، زیرا در این لایحه به‌صراحت قصاص به‌عنوان یکی از مجازات‌های قانونی به رسمیت شناخته می‌شود. بدین‌سان، شکل‌گیری گفتمان‌های معارض درباره آن، در برش تاریخی اوایل انقلاب در لایحه قصاص ریشه دارد. فضای سیاسی خاص حاکم در اوایل انقلاب، موجب شکل‌گیری مناظره‌های علمی در این زمینه شد و موافقان و مخالفان مهم‌ترین ادله خود را در مقام اثبات یا نفی آن بیان کردند. در این دوره، مخالفان و موافقان قصاص گاه با مبانی مشترک و گاه با اصولی متفاوت با تمرکز بر زمینه‌های دینی، حقوقی، جرم‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی درصدد هم‌مونیک‌کردن گفتمان خود بودند و تلاش داشتند با استفاده از منطق استدلالی، رویکرد خود را به‌عنوان پارادایم برتر معرفی کنند؛ با این حال تحولات تاریخ سیاسی در ایران نشان می‌دهد با گذشت زمان و استوارشدن پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، بحث درباره مخالفت با قصاص کم‌رنگ می‌شود.

با وجود آنکه مسئله قصاص در سپهر جامعه ایرانی به‌عنوان پارادایمی غالب به رسمیت شناخته شده است، اما سینمای ایران کماکان به مسئله قصاص توجه می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ادله مطرح‌شده در مقام اثبات یا نفی قصاص در فیلم‌های مورد بررسی، منطبق بر یافته‌های علمی و ادله موافقان و مخالفان است. به عبارت بهتر، برخلاف ادبیات رایج در تبیین‌های سینمایی از جرم که در آن تلاش می‌شود بر ساخت اجتماعی واقعیت از طریق کلیشه‌های ذهنی کارگردانان به مخاطب القا شود، فیلم‌های مورد مطالعه با اتخاذ رویکردی ادله‌محور و منطقی استدلالی درصدد بیان دیدگاه‌های مخالفان و موافقان قصاص هستند. با توجه به آنکه در فیلم‌های سینمایی، فیلم‌نامه محور داستان را مشخص می‌کند و مؤلف حضور مستقیم در اثر ندارد، ارائه ادله موافقان و مخالفان قصاص توسط افراد درگیر در فیلم بازنمایی می‌شود. به عبارت دیگر، کلیشه‌های ذهنی کارگردانان پیرامون مخالفت یا موافقت با قصاص، در قالب دوگانه قاتل - خانواده قاتل در برابر بزه‌دیده - اولیای دم مطرح می‌شود. در این قلمرو، مسائل مطرح‌شده توسط قاتل و خانواده وی در زمره ادله مخالفان قصاص جای می‌گیرد و به موازات آن، دیالوگ‌های بزه‌دیده و اولیای دم همسو با ادله موافقان قصاص است؛ با این حال فیلم‌های مورد مطالعه، ضمن به رسمیت شناختن قصاص - همچنان‌که این مجازات در فرهنگ عمومی پذیرفته شده است - بر مسائل و راهبردهای جدیدی همچون فرهنگ صلح و سازش تأکید می‌کنند.

کتابنامه

- ابن منظور (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، جلد هفتم، بیروت: دار صادر.
- اکبری، جهاندار؛ آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ صفاری، علی (۱۳۹۹)، «فلسفه سلب حیات با نگاهی بر حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۸، شماره ۳۰.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، *صحیفه امام*، جلد نهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- باقری، معصومه (۱۳۹۵)، *عکس رخ یاز: نکته‌هایی از امام درباره خویشتن خویش*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۶)، *حق حیات: پژوهشی در مجازات اعدام، قصاص و سنگسار در فقه و حقوق بشر*، جلد اول، چاپ نخست، تهران: انتشارات اندیشه عصر.
- باقی، عمادالدین (۱۳۹۹)، *حق حیات: رویکردهای جامعه‌شناختی و حقوق بشری*، جلد سوم، چاپ نخست، تهران: انتشارات اندیشه عصر.
- حدادزاده نیری، حمیدرضا (۱۳۹۷)، *تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، *وسائل الشیعه*، جلد ۲۹، باب ۱۹، حدیث ۶، قم: آل‌البیت.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰)، *مبانی نظری قانون اساسی*، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی.
- خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۰)، *فلسفه قصاص در اسلام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- دووینو، ژان (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی هنر*، مترجم: مهدی سجابی، تهران: نشر مرکز.
- زارعی کمالیه، مجتبی (۱۳۹۹)، «تحلیل و بررسی فلسفه کیفر و مبانی آن در فقه و حقوق»، *فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار*، دوره ۴، شماره ۱۴.
- سیدحسینی، سعید؛ عطاکویی، محدثه (۱۴۰۰)، «تبیین فقهی ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرای احکام کیفری در برداشت عضو از محکومان به اعدام»، *مجله فقه پزشکی*، دوره ۱۳، شماره ۴۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد اول، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸)، *کتاب العین*، جلد پنجم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان: فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- محسنی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، *مجله معرفت فرهنگی/اجتماعی*، سال ۳، شماره ۳.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴)، *آموزش عقاید*، جلد سوم، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *نظریه حقوقی اسلام*، جلد اول، به کوشش محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی‌نیا، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، *عدل الهی*، چاپ دهم، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *اسلام و نیازهای زمان*، قم: انتشارات صدرا.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۲)، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، *نشریه حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۱۰-۹.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱)، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۴۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- Hudson, Barbara (2003), *Understanding Justice*, Open University Press, London.
- McLaughlin, Eugene and Munice, John (2019), *The Sage Dictionary of Criminology*, 4th edition, Sage Publication, London.
- Wodak, R. (2013), *Critical Discourse Analysis*, London, Sage Publication.
- Wodak, R., de Cillia, R., Reisigl, M., & Liebhart, K. (2009), *The Discursive Construction of National Identity* (2nd ed.), Edinburgh, Edinburgh University Press.
- Wodak, R., (2014), *Critical Discourse Analysis*, The Routledge companion to English studies, Leung, C. & Street, B. V. (eds.), London: Routledge: 302-317.
- Wodak, R., Meyer, M. (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications.
- Wodak, R., (2015), "Critical Discourse Analysis, Discourse-Historical Approach", *The International Encyclopedia of Language and Social Interaction*, Edited by Karen Tracy, Wiley-Blackwell: 23-53.